



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

در پردهٔ ساز همایون

زندگی هنری استاد همایون خرم

مهران حبیبی نژاد

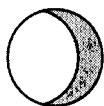
موسیقی دانان ایرانی

در پرده ساز همایون

زندگی، هنری استاد همایون خرم

آهنگ ساز و ویولنیست

مهران حبیبی نژاد



نشر ماهریس



نشر ماهریس

سرشناسه: حبیبی نژاد مهران / ۱۳۵۰
عنوان و نام پدیدآور: همایون خرم آهنگساز و ویولونیست / مهران حبیبی نژاد
مشخصات نشر: تهران: ماهریس، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۴۰۲ ص
فروست: موسیقی دانان ایرانی
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۳۴-۰۲-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: خرم همایون، ۱۳۰۹-۱۳۹۱
موضوع: موسیقیدانان ایرانی - سرگذشتنامه
موضوع: Musician - Iran -- Biography
موضوع: آهنگسازان ایرانی - سرگذشتنامه
موضوع: Composers - Iran -- Biography
رده بندی کنگره: ML۴۱۰/خ: ۴
رده بندی دیویی: ۷۸۹/۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۶۷۰۷۱

دفتر انتشارات

میدان انقلاب - خیابان کارگر جنوبی

تقاطع لبافی نژاد، شماره ۲۶۶

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۲۱۵۰

www.nashremahris.com

@nashremahris

@ketabfarhang

موسیقی دانان ایرانی همایون خرم

ناشر: انتشارات ماهریس

طراحی و تولید: گروه انتشارات ماهریس

چاپ متن و صحافی: معرفت

چاپ اول: ۱۳۹۸

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

قیمت: ۵۹۰۰۰ تومان

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات ماهریس محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن

(چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست

۹	پیش درآمد
۱۳	زندگی
۱۹	اولین گام‌های هنری درگفتار همایون خرم
۲۱	استاد ابوالحسن صبا و روش تدریس او
۲۵	معرفت موسیقی ایرانی در محضر استاد صبا
۲۷	نحوه‌ی ورود به رادیو و اجرای اولین برنامه
۳۱	فهرست آثار
۳۳	آثار تك نوازی و هم نوازی
۴۵	ترانه‌ها و تصنیف‌ها
۷۳	گل‌های رنگارنگ
۹۱	گل‌های تازه
۹۹	يك شاخه گل

- ۱۰۵ برگ سبز
- ۱۱۱ برنامه‌های موسیقی ایرانی و استریوفونیک رادیو (fm)
- ۱۲۱ شاخه نبات
- ۱۲۳ آثار دیگر
- ۱۳۱ ترانه‌های بازخوانی شده
- ۱۴۱ آهنگ‌سازی برای فیلم
- ۱۴۵ همایون خرم در گفتار دیگران
- ۱۴۷ یکی از گل‌های معطر / پرویز خطیبی
- ۱۴۹ خرم آمد / باقر رضایی
- ۱۵۱ عالم جاوید / بیژن ترقی
- ۱۵۳ همایون خرم و عرصه‌ی موسیقی ایرانی / محمد سریر
- ۱۶۱ موسیقی ایران و مسائل پیرامون آن در گفتار همایون خرم
- ۱۶۳ ارتباط شاعر و خواننده و آهنگ‌ساز
- ۱۶۵ جایگاه موسیقی ایرانی در تقابل با موسیقی غرب
- ۱۶۹ هنر، هنرمند و استاد هنرمند
- ۱۷۱ چگونگی آفرینش يك اثر
- ۱۷۳ درباره‌ی موسیقی ملی - سنتی یا اصیل ایرانی؟!

- ۱۷۵ گرایش جوانان امروز به انواع موسیقی
- ۱۷۷ آموزش موسیقی ایرانی
- ۱۷۹ ویولن و کمانچه
- ۱۸۱ من، موسیقی و کتاب
- ۱۸۳ یادداشت‌ها و مقالات
- ۱۸۵ جوان به موسیقی پاپ نیاز دارد
- ۱۸۹ آهنگی که مردم آن را زمزمه نکنند، یعنی نقصان!
- ۱۹۱ شعر سپید و نو
- ۱۹۳ پیوند شعر با موسیقی
- ۱۹۵ میزان موسیقایی شعر فارسی
- ۱۹۹ وضعیت موسیقی پس از انقلاب
- ۲۰۱ دیگران در گفتار استاد خرم
- ۲۰۳ بارانِ نَت (بارانِ رحمت) - با ابوالحسن ورزی و ترانه «آمد اما...»
- ۲۰۵ با هوشنگ ابتهاج و اولین ترانه‌ی او، «تو ای پری کجایی»
- ۲۰۷ چهار سوار سرنوشت - آشنایی با پرویز یاحقی
- ۲۱۳ خدمت‌های بزرگی که فرامرز پایور کرد
- ۲۱۹ برگزیده‌ی گفت‌وگوها

- ۲۲۱ آن جاکه زبان و بیان باز می ماند، موسیقی آغاز می گردد
- ۲۴۱ گویی کسی از جایی به من الهام می کند
- ۲۵۱ موسیقی مافوقِ صنعت است
- ۲۵۵ شهود ناگهانی در موسیقی
- ۲۶۷ رسوای زمانه
- ۲۸۳ حزن خاصیت همیشگی موسیقی ما نیست
- ۲۸۹ به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
- ۳۱۳ موسیقی بزرگ تر از خواننده است
- ۳۲۷ کلام ترانه های برگزیده
- ۳۲۹ آشیان وصل
- ۳۳۰ آمد گل بهارم (پیام آشنا)
- ۳۳۱ آوای خسته دلان
- ۳۳۳ آیا نمی شد
- ۳۳۴ از من بگذرید
- ۳۳۶ آنچه گذشت (ای گل)
- ۳۳۷ برق و خرمن
- ۳۳۸ بهانه ی مستی

۳۳۹	به شهر و دیاری ببر تو مرا
۳۴۰	تنها ماندم
۳۴۱	چه شبی، چه مهی
۳۴۳	چه کنم
۳۴۴	در دامن مهتاب
۳۴۵	در بستر غم
۳۴۶	درد عشق و انتظار
۳۴۷	در میان گل‌ها
۳۴۸	دیوانه شدم (شکایت از دل)
۳۴۹	زکوی بلاکشان
۳۵۰	ساغر بلورین
۳۵۲	ساقی
۳۵۳	سرگشته (تو ای پری کجایی؟)
۳۵۴	سکوت شکسته
۳۵۶	شکوه‌های من
۳۵۷	راه عاشقان
۳۵۸	طاقتم ده

۳۶۰	غوغای ستارگان
۳۶۱	کاشکی
۳۶۲	گل نازِ من
۳۶۳	لیلا
۳۶۴	موج آتش
۳۶۵	مینای شکسته
۳۶۷	نمایه‌ها
۳۶۷	اشخاص
۳۸۰	ترانه‌ها، تصنیف‌ها، آلبوم‌ها و برنامه‌های موسیقی
۳۸۹	دستگاه‌ها و گوشه‌های موسیقی
۳۹۳	ضمائم

پیش درآمد

از مدت‌ها پیش طرح تألیف و تدوین سرگذشت‌نامه‌ی موسیقی‌دانان ایرانی در ذهنم شکل گرفته بود و در این اندیشه بسر می‌بردم تا این امر را محقق سازم، تا این‌که در این چند سال اخیر به لطف خداوند مهربان توانستم، زندگی و آثار چند موسیقی‌دان برجسته‌ی کشور را به رشته تحریر درآورم و در پی آن، منتظر فرصتی بودم تا شرایط و زمینه‌ی چاپ و انتشار این مجموعه‌ها فراهم گردد. اکنون به لطف حضرت دوست، این مجال دست داد تا این مکتوبات را که بازتاب اندیشه‌ی هنرمندان ایران زمین است، در اختیار دوستداران فرهنگ و هنر سرزمینم قرار بدهم.

اگرچه آثاری که هنرمندان بزرگ در طی سالیان زندگی حرفه‌ای و هنری خود آفریده‌اند و با خلق این آثار معرف خود بوده‌اند و جاودانه گشته‌اند، اما با تألیف و تدوین این مجموعه‌ها، امید بر این است تا پنجره‌ای گشوده شود برای کشف رمز و راز اندیشه‌های والای این بزرگ‌مردان، با کنکاش در زندگی، گفتار و آثار آن‌ها.

واکاوی در زندگی و اندیشه‌ی این فرهیختگان و گفتارهای گرانبهای آن‌ها درباره‌ی هنر، هنرمند، آواز، نوازندگی، دستگاه‌ها و گوشه‌های موسیقی، وضعیت موسیقی ایران و چگونگی رسیدن به هنری متعالی و بسیاری از مسائل آموزشی و اخلاقی دیگر، می‌تواند برای پویندگان علم و هنر موسیقی راهگشا باشد؛ بنابراین، تحریر و ترسیم رفتار و پندار نیک و آموخته‌های هنری و چگونگی شکل‌گیری یک اثر هنری در ذهن و اندیشه‌ی یک هنرمند می‌تواند الگویی

باشد برای نسل‌های آتی و این‌که چه سیر و سلوکی صورت پذیرفت تا این هنرمندان جاودانه گشته‌اند و نامی نیک از خود به جای نهاده‌اند. دانستن زندگی و سیر تعالی هنری و اخلاقی این بزرگان بسیار مغتنم و حیاتی به نظر می‌رسد؛ چرا که تمام تلاش ابنای بشر این است چه در زندگی فردی و چه در زندگی حرفه‌ای خود به کمال برسند و به آن هدف متعالی که سعادت بشری را رقم می‌زند، دست یابند.

باری، با انتخاب فهرستی از برترین‌های موسیقی کشور این حرکت را با بضاعت اندک خود آغاز کرده‌ایم. امید است در منظر صاحبان قلم، هنرمندان و هنردوستان این سرزمین قبول افتد و در نظر آید. هر زیبایی که در این مجموعه پدیدار گشت به خاطر لطافت پنهان هنر و مقام والای هنرمند است، و بروز هرگونه قصوری در آن، از چشم نگارنده، نگریسته شود.

در این دفتر از مجموعه‌ی موسیقی دانان ایرانی، مروری داریم بر زندگی، اندیشه و آثار استاد همایون خرم. هنرمندی که با خیال نازکش دست به آفرینش آثاری زده است که هرگز از اذهان محو نخواهد شد و به عبارتی در تاریخ هنر موسیقی ایران جاودانه گشته است. هر قطعه از آثارش یک زیبایی از این جهان آفرینش را یادآور می‌شود. کسی که می‌تواند این گونه و با هنر خود این همه زیبایی بیافریند به یقین او خود با چشم دل به این زیبایی رسیده است. بنده، در سال‌های پایانی زندگی پرتنم این هنرمند بزرگ، افتخار داشته‌ام تا چندبار با ایشان هم‌کلام شوم و آزادی و بزرگی ایشان را از نزدیک بیش‌تر و بیش‌تر احساس کنم. استاد خرم، سوای این‌که در هنر موسیقی، هنرمندی کم‌نظیر هستند، در اخلاق و رفتار و کردار انسانی هم بی‌نظیرند؛ که جمع شدن این همه خوبی‌ها در یک انسان از موهبت‌های خداوند مهربان است که در وجود ایشان به ودیعه نهاده است.

هرگاه پیغامی استاد خرم به صورت تلفنی از جانب بنده دریافت می‌کردند، با فروتنی خاصی تماس می‌گرفتند و جویای احوال می‌شدند و با مهربانی و با نهایت

لطف‌شان از تدوین این مجموعه‌ها قدردانی می‌کردند و گاهی با نصیحت‌ها و تجربه‌های ارزشمندشان بنده را بهره‌مند می‌ساختند. صدای لبریز از مهر و محبت‌شان هم‌چنان در گوش و جانم طنین‌انداز است.

بی‌دلیل نیست که هنرمندی چون او این قدر عزیز و والامقام می‌شود؛ چرا که تمام آثارش مثل رفتار و کردار او بوی مهربانی می‌دهد و بر دل‌ها می‌نشیند. روحش شاد و یادش گرامی باد!

در پایان این یادداشت، لازم می‌دانم، تشکر کنم از جناب رضا خرم - فرزند فرهیخته‌ی استاد خرم - که در غنای این دفتر با ما همدل و همراه بوده‌اند و همچنین از تلاش و ذوق بی‌نظیر دوست فرهیخته‌ام، جناب مهندس مجید بدرکوهی - مدیر محترم نشر ماهریس - که در به ثمر رسیدن - چاپ و انتشار - این مجموعه در این شرایط سخت (بازار نشر کتاب) تشکر و قدردانی می‌کنم.

مهران حبیبی‌نژاد

تابستان ۱۳۹۸



کودکی خزم

زندگی

نهم تیرماه يك هزار و سیصد و نه فرزند همایونی در شهر بوشهر پای به هستی نهاد. مادرش که اهل دانش و هنر بود و به موسیقی اصیل ایرانی علاقه‌ای وافر داشت (به‌ویژه به دستگاه همایون)، نام او را همایون نهاد^۱.

پدر همایون نیز علیرغم این که حرفه‌ای دیگر داشت (جزو کارمندان عالی‌رتبه بانک ملی بود) به موسیقی اصیل علاقه‌مند بود. اما مادرش نه تنها علاقه‌مند به هنر موسیقی بود، بلکه مشق تار می‌کرد و مدتی نیز نزد مرتضی خان نی‌داوود موسیقی‌دان و نوازنده‌ی برجسته‌ی تار-نواختن تار و مقدمات موسیقی را نیز فرا گرفت. بنابراین خانه‌شان همیشه مترنم بود از نغمات دلنشین ایرانی، که همایون نیز روزهای پرشور کودکی را با عطر این نغمات، عشق به موسیقی را تجربه می‌کرد. به‌زودی شعله‌های این عشق در جسم و جان کوچک همایون زبانه کشید و او را وادار کرد تا با تهیه‌ی قطعه چوبی و نصب چند سیم نازک بر روی آن، لذت نواختن ساز را با انگشتان کودکانه‌اش احساس کند. این اشتیاق چنان در او شدت گرفت که مادرش تصمیم گرفت تا ویولنی برای او تهیه کند. همایون، مدتی با ویولنی که مادرش خریده بود سرگرم بود و در عین حال دوره‌ی تحصیلی دبستان را پشت سر می‌نهاد. تا این که شوق او به ساز و نواختن، آن چنان شدت گرفت که با توصیه و وساطت یکی از نزدیکان‌شان،

۱- همایون يك ساله بود که خانواده‌اش برای زندگی رهسپار تهران شدند.

خانم فرح زکّنی (او بعدها همسر ابوالحسن ورزی، شاعر و ترانه‌سرای معاصر شد) مادرش او را برای آموزش علمی موسیقی و ویولن به ابوالحسن خان صبا سپرد. همایون از ده سالگی آموزش ردیف موسیقی و نوازندگی ویولن را نزد صبا آغاز کرد. آموزش او نزد صبا تا سن پانزده سالگی ادامه پیدا کرد. (در همین بحبوحه در سال ۱۳۲۵ خورشیدی) او به پیشنهاد استاد صبا در آزمون استخدامی رادیو شرکت کرد و با کسب نمره‌ی قبولی در این آزمون، اولین بار نوای ویولن او به صورت رسمی در یکی از شب‌های جمعه، تیرماه ۱۳۲۵ (ساعت بیست و یک و چهل و پنج دقیقه) به عنوان تَک‌نوازی ویولنِ نوجوان ۱۴ ساله از رادیو پخش شد.

همایون، شکوفایی و موفقیت خود را در تحصیل و موسیقی، مرهون مادرش می‌داند. وی که اولین گام‌های مسیر هنری و تحصیلی‌اش را با حمایت‌های بی‌دریغ مادرش برداشته بود، از او به نیکویی یاد می‌کند: «... من تربیت و موفقیت خود را مدیون مادرم هستم که همیشه مرا به سوی هنرها هدایت کرده و پیوسته مشوق من در امر تحصیل دانش بوده است. چنان‌که همواره در دوران تحصیل از شاگردان ممتاز بوده‌ام [...]. مادرم علاقه‌ی وافری به موسیقی داشت [...] برای این‌که ذوق مرا تحریک کند، هر روز با نوای موسیقی که از صفحات گرامافون شنیده می‌شد، ما را سرگرم می‌کرد»^۱.

همایون در کنار موسیقی از توصیه‌های پدرش در امر تحصیل همواره بهره‌مند بود، چرا که پدرش اعتقاد داشت که او باید در کنار موسیقی به تحصیلات دانشگاهی نیز توجه داشته باشد. او دوره‌ی دبیرستان را ابتدا در مدرسه‌ی علمیه و سپس در کالج البرز تهران سپری کرد و در سال ۱۳۲۸ خورشیدی، مدرک دیپلم خود را در رشته‌ی ریاضی اخذ نمود و در همان سال وارد دانشکده‌ی علم و صنعت شد و پس از چهار سال

تلاش، دانشنامه‌ی لیسانس را در رشته‌ی مورد علاقه‌ی خود-مهندسی برق-دریافت کرد. او دوره‌ی سربازی خود را در دانشکده‌ی افسری تهران، گذراند. در این دوران ضمن آشنایی با سروان ناصر حسینی (فارغ‌التحصیل هنرستان موسیقی) آموزش موسیقی را با مداومت پی گرفت و نزد این معلم، مبانی علم هماهنگی و کُنترپوان را آموخت.

او با مطالعه‌ی کتاب‌های مختلف موسیقی، از جمله: سرگذشت موسیقی ایران، اثر روح‌الله خالقی و مجموعه آثار کلنل علی‌نقی وزیری، مبانی تئوری و عملی موسیقی و آهنگ‌سازی را بر دانسته‌های موسیقایی خود افزود و با ممارست فراوان، سبک و مهارت خاصی در نوازندگی ویولن پیدا کرد.^۱

خرم در سال ۱۳۳۳ خورشیدی به صورت رسمی به عنوان نوازنده و آهنگ‌ساز به استخدام رادیو درآمد. او ابتدا کار خود را در ارکستر علی محمد خادم میثاق آغاز کرد و با ساخت آهنگ‌هایی برای این ارکستر به‌ویژه برای خانم مرضیه توانست اقبال عمومی مردم را-با آثار زیبایش جلب کند. اولین آهنگ او بر روی صدای مرضیه، ترانه‌ی «آنچه گذشت» (ای گل جلوه‌ی این بُستان بودی) و بعد از آن، ترانه‌ی «ای ماه من، ای فروغ شب‌های تار من» بود که این ترانه‌ها نام این خواننده را بر سر زبان‌ها انداخت و خرم نیز محبوب دل مردم گردید. خرم در سال ۱۳۳۵ رهبری ارکستر شماره ۳ رادیو را بر عهده گرفت، اما به دلیل مشغله‌ی او در کار دومش-سرپرستی کنترل رله نیروگاه سد کرج، امیرکبیر فعلی کمی از رادیو فاصله گرفت.

پیوند ناگسستنی جسم و جان همایون با لطافت پنهان موسیقی، باعث شد که پس از مدتی دوباره به رادیو بازگردد و این بار او به رهبری ارکستر شماره‌ی ۶ رادیو

منصوب گردید^۱.

بازگشت همایون به رادیو، مصادف بود با آشنایی او با خواننده‌ای جدید به نام «پروین زهرایی منفرد»^۲ که برای تست صدا به او معرفی شده، بود. صدا و استعداد این خواننده، مورد توجه خرم قرار گرفت و همکاری خود را با آهنگ «نه به دل هوسی، نه به سر شوری دارم» که مورد توجه مردم قرار گرفت.

بعدها با ترانه‌های «افسون تو کردی» و به‌ویژه ترانه‌ی «غوغای ستارگان» یا «امشب در سر شوری دارم» با شعر کریم فکور، پروین هم شهری بین خواننده‌ها پیدا کرد و این ترانه‌ی او چنان در ذهن و خاطرات مردم نقش بست که بعد از سالیان متمادی هم چنان زمزمه‌ی مردم سرزمین ماست^۳.

همایون خرم در اول اردیبهشت ۱۳۴۴ با خانم فرزانه چیدری ازدواج کرد که ثمره‌ی این پیوند، چهار فرزند به نام‌های: هاله، رضا، علی و امیرمحسن است^۴.

خرم در کنار رهبری ارکستر و ساخت آهنگ بر روی بیش از ۸۰۰ ترانه و تصنیف، آهنگ‌سازی و تنظیم موسیقی بیش از چهل فیلم سینمایی را نیز برعهده داشته است. اولین آهنگ‌سازی او در سینما، برای فیلم کمرشکن به کارگردانی ابراهیم مولوی بود که در سال ۱۳۳۰ خورشیدی تولید گردید. خرم از سال ۱۳۵۱ سرپرستی برنامه‌ی موسیقی ایرانی با عنوان «رادیو FM» را برعهده گرفت و در این مقام ۷۰ برنامه‌ی موسیقی را اجرا و ضبط کرد که بسیاری از خوانندگان برنامه‌ی «گل‌ها» در این برنامه هم حضور داشتند، از جمله: حسین قوامی، محمود محمودی خوانساری، عبدالوهاب شهیدی، اکبر گلپایگانی، ایرج و محمدرضا شجریان و... همایون خرم در برنامه‌های

۱- امیر همایون خرم، همان، ص ۱۳ و ۱۷

۲- پروین نوری.

۳- افسون تو کردی، اطلاعات بانوان، دوره‌ی دوم، شماره‌ی ۴۳ (۱۰ مرداد ۱۳۳۹)، ص ۸.

۴- همسر هنرمندان، اطلاعات بانوان، شماره‌ی ۵۳۰ (۷ مرداد ۱۳۴۶)، ص ۱۴.

مختلف رادیو، از جمله: «گل‌های جاویدان» و «گل‌ها» به سرپرستی داوود پیرنیا به‌عنوان آهنگ‌ساز و نوازنده‌ی ارکستر همیشه حضور داشت بعد از استعفای داوود پیرنیا از رادیو و برنامه‌ی «گل‌ها»، در سال ۱۳۵۱ هوشنگ ابتهاج (سایه)، سرپرستی این برنامه را برعهده گرفت و این برنامه با عنوان جدید «گل‌های تازه» شروع به کار کرد. در همین زمان هم خرم به دعوت هوشنگ ابتهاج، در این برنامه به فعالیت پرداخت. ترانه‌ی معروف «تو ای پری کجایی» یا «سرگشته» را که ابتهاج سروده بود، از سوی او برای آهنگ‌سازی به خرم پیشنهاد شد و این نخستین ترانه‌ای بود که خرم بر روی شعر ابتهاج آهنگ‌سازی کرد و با صدای حسین قوامی در برنامه‌ی «گل‌های تازه»، شماره‌ی ۵۲ ضبط و اجرا شد. «تو ای پری کجایی» به دلیل شعر و ملودی زیبای آن و اجرای خوب حسین قوامی در آن سال‌ها بسیار مورد توجه مردم واقع شد. طراوت و تازگی این اثر باعث جاودانگی آن شده و هنوز هم این ترانه در بین مردم هنردوست زمزمه می‌شود.^۱

استاد همایون خرم یکی از مفاخر و چهره‌های درخشان هنر موسیقی ایران است. آثار جاودانه‌ای که از ایشان به‌جا مانده نشان از تلاش عاشقانه‌ی او در عرصه‌ی هنر موسیقی سرزمین ایران و علاقه‌مندی او به مردم آن است. اثری که با خلوص نیت و با عشق آفریده شود، همواره در ذهن و زبان مردم جاری ست و چون رودی خروشان در حرکت است و حتی دل‌های سنگی را با امواج زیبایش درمی‌نوردد و به ساحل و سرمنزلی دوستی و محبت رهنمون می‌سازد. نام و یادش جاودان باد!



سال آخر دانشگاه با یکی از دانشجویان

اولین گام های هنری

در گفتار هایون خرم

- در محضر استاد ابوالحسن خان صبا و روش تدریس او

- معرفت موسیقی ایرانی

- ورود به رادیو و اجرای اولین برنامه



استاد ابوالحسن صبا و روش تدریس او^۱

روش تدریس استاد صبا، يك روش خاص و روی هم رفته، روشی جالب بود. البته باید بگویم در آن زمان که در خدمت ایشان بودم و درس می‌گرفتم، نمی‌توانستم روش و نحوه‌ی تدریس ایشان را درك کنم، بعدها که این راه را طی کردم و خودم شروع به تدریس نمودم، در مورد تدریس ایشان خیلی فکر کردم، سرانجام به این نتیجه رسیدم که حکمت خاصی در نوع و روش تدریس ایشان وجود داشت [...]، ناگفته نماند، من تا آخرین لحظه‌ی عمر ایشان، در خدمت استاد بودم و شاگردی ایشان را می‌کردم. اولین جلسه‌ای که خدمت استاد رسیدم، ساختمان ویولن را برای من تشریح کردند. مثلاً: این گوشی است، این تنه است، این دسته است و این خرك است. جلسه‌ی دوم بود که آرشه‌کشی را به من آموختند. جلسه سوم بود که يك دایره رسم کردند و نُت‌های: «دو»، «ر»، «می»، «فا»، «شُل»، «لا»، «سی» را روی آن ترسیم نمودند و سپس، خطوط حامل را تعریف و «نُت»‌ها را روی خط حامل پیاده کردند. از جلسه‌ی چهارم، ویولن را به دست من دادند و طرز گرفتن ویولن را به من آموختند و سپس، محل «نُت»‌ها را روی ویولن و انگشت‌گذاری روی سیم‌های مختلف و به‌طور کلی، مقدمات را به من آموزش دادند.

در جلسه‌ی ششم «میزان»‌ها را گفتند و ابتدا، میزان دوزبری یا به اصطلاح تئوری موسیقی همان ۲/۴ را [بیان کردند]. بلافاصله بعد از آموزش «میزان دوزبری» يك

۱- ای آشنا! رازِ دل بشنو، بخارا، شماره‌ی ۷۰ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۸) ص ۳۷۸ - ۳۸۰.

«پیش‌درآمد دشتی» برای من نوشتند. شاید جلسه‌ی بعد یا يك جلسه بعد از آن، «میزان ۶/۸» را توضیح دادند-البته باید بگویم که استاد صبا در هنگام آموزش، توضیحات خود را خیلی ظریف بیان می‌کردند.

بعد از آموزش «میزان ۶/۸» يك «رنگ دشتی» خیلی آسان و کوتاه برایم نوشتند و آموزش دادند. جلسه‌ی بعد، «تکیه» را برای ساز گفتند و «تحریر» را برای آوازخوان‌ها. خلاصه، در جلسه‌ی هشتم، ایشان شروع کردند به آموزش ردیف‌های آوازی خودشان، که با «چهار مضراب دشتی» شروع می‌شد.

در همان اوان که خدمت استاد بودم، «چهار مضراب دشتی» و بعد هم «آواز دشتی» را آموزش می‌دیدم-یعنی از ردیف اول استاد صبا-عده‌ای شاگرد هم، هم‌زمان با من خدمت استاد بودند و آموزش می‌دیدند، کم‌کم که به «آواز بیات ترك» رسیدیم، از آن عده، تعدادی نیامدند. به دستگاه «سه‌گاه» که رسیدیم، از آن عده‌ی موجود، عده‌ی دیگری نیامدند. به دستگاه «ماه‌ور» که رسیدیم، تعداد ما کم‌تر شد. به کتاب دوم که رسیدیم، «چهار مضراب اول دشتی» را يك عده با اشکال آمدند، و به «چهار مضراب دوم دشتی» که در گوشه‌ی «عشاق» یا «اوج دشتی» است و چهار مضراب خاصی می‌باشد و آرشه‌های خاص هم دارد و پوزیسیون‌های سوم تا پنجم هم دارد؛ تعداد شاگردان باز هم کم‌تر شد. در هر حال، به «زنگ شتر» که رسیدیم، تعداد شاگردان خیلی کم شده بود. دستگاه «نوا» را که شروع کردیم، تعدادمان چهار نفر بود؛ به کتاب سوم که رسیدیم، تعداد ما، دو نفر بیش‌تر نبود.

کتاب اول و کتاب دوم استاد صبا «راست كوك» و «چپ كوك» است و کتاب سوم ایشان، شامل قطعات «چهارمضراب»، «قطعات ضربی» و بعضی قطعات خاص دیگر است. اجرای این قطعات در عین زیبایی، بسیار مشکل است. همان‌طور که اشاره کردم، بعدها، به این موضوع-روش تدریس استاد صبا-خیلی فکر کردم. فکر می‌کردم چه چیزی در بطن این روش تدریس نهفته است که سبب می‌شود از این تعداد زیاد

شاگرد، رفته‌رفته کم شود و دیگر ادامه ندهند. یاد این شعر مولانا افتادم:

عشق از اول سرکش و خونی بُود تا گریزد هر که بیرونی بُود

به نظر من، استاد صبا با این کارشان، شاگردان خود را مَحَك می‌زدند. زیرا ایشان که قصد نداشتند تجارت‌خانه باز کنند، بلکه قصدشان این بود که برای موسیقی مملکت، ۴-۵ نفر را از خودش به یادگار بگذارد تا این سلسله‌ی موسیقی ایرانی ادامه پیدا کند.

در حقیقت [استاد] ضمن درس دادن، شاگردانی که استعداد کم‌تری داشتند کم‌کم آلك می‌شدند. در این مورد باید به تیراژ [کتاب] «ردیف‌های استاد صبا» اشاره‌ای داشته باشیم.

استاد صبا، ردیف‌هایشان را در سه‌هزار نسخه چاپ کرده بودند. ایشان در مصاحبه‌ای گفته بودند: «من، سه‌هزار شاگرد دارم و این سه‌هزار نفر یا به‌طور مستقیم شاگردان من هستند و یا شاگرد شاگردان من هستند. شاگردانی که به آن‌جایی رسیده‌اند که می‌توانند ردیف‌های من را بزنند و تدریس کنند.»

در هر دوره‌ی آموزش، این سه‌هزار نفر، در طول دوره، رفته‌رفته آلك می‌شدند و فقط تعداد کمی از آن‌ها توانستند دوره‌ی موسیقی را به اتمام برسانند و این سلسله‌ی موسیقی، سرانجام موجبات ایجاد و ادامه‌ی «برنامه‌ی گل‌ها» را فراهم آورند [...]. در هر حال وقتی به کتاب سوم رسیدیم، ۲ نفر بیش‌تر نبودیم. ما خدمت آقای صبا، درس‌های کتاب سوم را آموزش می‌دیدیم و تمرین می‌کردیم و درس پس می‌دادیم. وقتی که کتاب سوم تمام شد، استاد صبا، تعدادی «رنگ» را، که با خط خودشان برای من نوشته بودند، تعلیم دادند.

نکته‌ای را که باید عرض کنم، این است که عده‌ای فکر می‌کنند، «رنگ» در درجه‌های پایین موسیقی ایرانی است، در صورتی که این‌طور نیست، در موسیقی، هر چیزی در جای خودش، اهمیت خودش را دارد. این رنگ‌هایی که استاد صبا نوشته

بودند و درس می‌دادند، به خاطر آرشه‌های خاص، خیلی مشکل و در عین حال بسیار زیبا بودند.

بعد از این‌که «رنگ‌ها» را زدیم، استاد صبا گفتند که: «خُب»، دیگر همین بود، کتاب‌ها را زدی، «رنگ»‌ها را هم که زدی-چند بار تکرار کردند.

گفتم: «استاد از من راضی هستید، توانستم خوب درس‌ها را پس بدهم؟» فرمودند: «بله، کار کردی، خیلی خوب و جدی کار کردی.» گفتم: «استاد یعنی تمام است؟» گفتند: «خُب، ببین، همه‌ی کتاب‌ها را زدی.»

من که عاشق این راه بودم، قصدم ادامه دادنِ این راه بود، نه این‌که زود به خط پایان برسم، من که قصد مدال گرفتن نداشتم. می‌خواستم بدانم که آیا باز هم چیزهای دیگری هست که بدانم، به این دلیل [دوباره] گفتم: «استاد، تمام است؟» استاد صبا که پافشاری مرا در تعلیم و یاد گرفتنِ بیش‌تر دیدند، گفتند: «حالا باید معرفت موسیقی ایرانی را یاد بگیری و بشناسی.»